

## توحیدباوری اصحاب امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی\*

### اشاره

از جمله خطبه‌های امیر مؤمنان علیه السلام که در نهج البلاغه آورده نشده است، خطبه‌ای توحیدی است که کلینی در کتاب شریف کافی ذکر کرده است. ایشان غالباً به نقل اصل روایات بسنده می‌کند و جز مواردی انگشت‌شمار، به توضیح شخصی خود نمی‌پردازد؛ با این وجود پس از نقل خطبه مذکور می‌نویسد: «این خطبه، از خطبه‌های مشهور آن حضرت است و میان عامه مردم مشهور است و برای کسی که دنبال علم توحید باشد، اگر در آن بیندیشد و آن را بفهمد، کافی است. آری، اگر تمام جن و انس - جز پیغمبران - هم‌زبان شوند که توحید را مانند آنچه آن حضرت - پدر و مادرم فدایش - فرموده بیان کنند، از عهده‌اش بر نمی‌آیند. و اگر بیان آن حضرت علیه السلام نبود، مردم نمی‌دانستند چگونه در راه توحید قدم بردارند».<sup>۱</sup>

شاید خواننده گرامی تصور کند چنین خطبه‌ای، در فضایی روحانی همچون شب قدر یا شب جمعه یا نماز جمعه ایراد شده است؛ اما به تصریح امام صادق علیه السلام که راوی اصلی این خطبه هستند، سخنان توحیدی امیر مؤمنان علیه السلام، در فضایی جنگی و پیش از شروع پیکار با معاویه در صفین ایراد شده است.<sup>۲</sup>

دامنه تأثیرگذاری توحید و خداباوری، همه ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد و اختصاص به زاویه‌ای خاص از حیات انسانی ندارد. جنگ‌ها و پیکارهای رخ داده در تاریخ، شاهدی جدی بر

\* نویسنده و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۴.

«نقش پررنگ خداباوری در سعادت انسان» است.

عاشورا و کربلا نمونه دیگری از صفحات تاریخ است که می‌تواند نقش «خداباوری» در سعادت را از یک سو و نقش «ضعف در خداباوری» در شقاوت را از سوی دیگر مجسم کند. افزون بر سخنان امام حسین علیه السلام در معرفی اصحاب خود، سرگذشت و سخنان آنان نیز نشان می‌دهد توحیدباوری، رکن رکن سعادت آنان بوده است. این نوشتار در پی بیان دو مطلب است: سخنان امام حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام درباره توحیدباوری اصحاب، سخنان و رفتارهای توحیدی یاران حسینی.

### توحیدباوری اصحاب در کلام حجج الهی

آثار برجای مانده از امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام، گواه آن است که نگاه توحیدی یاران حسینی به واقعه کربلا، از مهم‌ترین امتیازات ایشان به شمار می‌آید.

۱. امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات عمر شریف‌شان و پس از شهادت همه اصحاب، برای اتمام حجت با حاضران در میدان نبرد، استغاثه‌ای جانسوز نمودند که صدای شیون اهل حرم را در پی داشت؛ از جمله فرمودند: «هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟<sup>۱</sup> آیا خداشناسی هست که درباره ما از خدا بترسد؟». این ندای جانسوز، گواه روشنی است که شهیدان در رکاب ایشان، با نگاه توحیدی در کنار حجت الهی ایستادند و شربت شهادت را نوشیدند.

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام در همان روز عاشورا خطاب به اصحاب، درباره رضایت و اذن خداوند درباره شهادت خود و آنان فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أُذِنَ فِي قَتْلِكُمْ يَا قَوْمَ فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا؛<sup>۲</sup> گواهی می‌دهم که اجازه کشته شدن شما داده شده است؛ پس از خدا پروا کنید و صبر نمایید».

امام علیه السلام با این سخن، افزون بر اینکه بر نگاه توحیدی خود به شهادت تأکید مجدد می‌کند، به توحیدباوری یاران خود نیز مهر تأیید می‌زند و در پی تقویت آن برمی‌آید و به آنان گوشزد می‌کند تقدیر حکیمانه خداوند بر شهادت همه ماست و باید در برابر این مصیبت شکیبا باشیم. مؤلف إثبات الوصیة پس از نقل فرمایش پیش‌گفته از سیدالشهدا علیه السلام، چنین می‌نویسد: نقل

۱. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۱۶.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۷۳.

شده است مجاهدان راه خدا در طول تاریخ هزار نفر بودند و قوام دین خدا با اینان بود:

- ۳۱۳ تن اصحاب طالوت؛

- ۳۱۳ تن اصحاب بدر؛

- ۳۱۳ تن اصحاب امام عصر علیه السلام؛

- ۶۱ نفر دیگر نیز اصحاب سید الشهداء علیه السلام بوده اند.<sup>۱</sup>

گفتنی است عدد فوق با حساب نکردن شهدای بنی هاشم، مقرون به صحت است.

۳. به گواهی تاریخ، سالار شهیدان علیه السلام افزون بر هنگام روانه کردن هر کدام از اصحاب خود به میدان جنگ،<sup>۲</sup> زمانی که بر بالین مسلم بن عوسجه حاضر شدند<sup>۳</sup> و نیز هنگام دریافت خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی،<sup>۴</sup> این آیه را تلاوت نمودند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلاً».<sup>۵</sup>

۴. در نخستین فراز از زیارت نامه شهدای کربلا که توسط امام صادق علیه السلام صادر شده است،

چنین می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُونَ...».<sup>۶</sup>

همچنین زیارت نامه کوتاهی که برای شب های عید فطر و عید قربان نقل شده است، با این

عبارت آغاز می شود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّائِرُونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ...».<sup>۷</sup>

امام صادق علیه السلام برترین ویژگی یاران حسینی را «الهی بودن» آنان دانستند و به زائران گوشزد می کنند به این صفت برتر ایشان توجه ویژه داشته باشند. در عبارت بعدی نیز به این حقیقت اعتراف می کنیم که اگر امروز توفیق زندگی موحدانه نصیب مان شده است، به برکت جان فشرانی آنهاست.

۱. علی بن حسین مسعودی، إثبات الوصیة، ص ۱۶۶.

۲. وَ كَانَ كُلُّ مَنْ أَرَادَ الْخُرُوجَ وَ دَعَى الْحُسَيْنَ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَيَجِيبُهُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ نَحْنُ خَلَقْنَا وَ بَقَرًا: [مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ] فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۰۰).

۳. محمد بن محمد مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۵.

۵. احزاب: ۲۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۷. محمد بن جعفر بن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۲۵.

گفتنی است امام علیه السلام پس از به کار بردن واژه «ربانیون» درباره شهیدان عاشورا، به آیه ۱۴۶ «آل عمران» تمسک کردند که در توصیف رزمندگان جنگ احد نازل شده است: «وَكَايُنُ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ». علامه طباطبایی می فرماید: «رِبِّيُونَ جمع رِبِّي، مانند ربانی و به معنای کسانی است که مختص به پروردگارشان بوده و خود را به غیر او مشغول نمی کنند»<sup>۱</sup>.

توحیدی بودن یاران امام حسین علیه السلام، مدال های توحیدی متعددی را در زیارت نامه هایشان به ثبت رسانید: «أُولِيَاءَ اللَّهِ؛ أَحِبَاءَ اللَّهِ؛ أَصْفِيَاءَ اللَّهِ؛ أَوْلَادَ اللَّهِ»؛

أنصار دين الله: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَجْبَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْلَادَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>.

أنصار الله: «... أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ...»<sup>۳</sup>.

خاصة الله: «أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ»<sup>۴</sup>.

خيرة الله: «أَنْتُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ»<sup>۵</sup>.

### سخنان و رفتارهای توحیدی اصحاب

نگاهی به سخنان ثرگونه و نظم گونه شهیدان راه حسین علیه السلام، به روشنی نشان از «خداباوری» در اعماق وجود آنان دارد؛ همان گونه که رفتارهای ایشان، گواه صادقی بر محوریت «الله» در تصمیم گیری ها و کردارهای این اولیای راستین الهی است.

#### ۱. مسلم بن عقیل و خودداری از ترور

در ماجرای معروف خودداری نخستین شهید واقعه کربلا - جناب مسلم بن عقیل - از ترور عیدالله، نکته ظریفی وجود دارد که شریک بن أعور نه تنها این پیشنهاد را به مسلم داد، بلکه وقتی دید مسلم از مخفیگاه بیرون نمی آید و نقشه قتل را اجرا نمی کند، چند تأکید از خود نشان

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱.

۲. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجب، ج ۲، ص ۷۲۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۴۲.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۱۴.

داد تا شاید مسلم اقدام به کشتن عبیدالله نماید:

- چند مرتبه عمامه خود را به زمین گذاشت و دوباره به سر نهاد تا بلکه مسلم متوجه اصرار وی بر کشتن عبیدالله شود و کار را تمام کند.<sup>۱</sup>

- سپس با خواندن اشعاری، سعی در ترغیب مسلم برای اجرای طرح کرد:  
مَا تَنْظُرُونَ بِسَلْمَى لَا تُحْيِيهَا إِسْقُونِيهَا وَإِنْ كَانَتْ بِهَا نَفْسِي  
در انتظار چه هستید که به سلمی (محبوب فرضی) درود نمی فرستید/ آبم دهید و سیرابم کنید، گرچه در آن جرعه آب، جانم برود.

سپس مصرع دوم را دو سه بار تکرار کرد: آبم دهید، گرچه به مرگم کشیده شود.<sup>۲</sup>  
حرکات و سخنان غیرعادی شریک، مهران غلام عبیدالله را مشکوک کرد که توطئه‌ای در کار است؛ از این رو با اشاره از او خواست که زودتر از خانه هانی خارج شود.<sup>۳</sup>

پس از رفتن عبیدالله، شریک که از اجرانشدن طرح به شدت ناراحت شده بود، علت را از مسلم جویا شد؛ مسلم در پاسخ دو علت را مطرح کرد: اول: راضی نبودن هانی به اینکه عبیدالله در خانه او کشته شود؛ دوم: حدیثی از رسول خدا ﷺ که فرمود: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْنَةِ فَلَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ؛<sup>۴</sup> به درستی که ایمان، کشتن غافل‌گیرانه را بند زده است [ممنوع کرد]؛ از این رو مؤمن، غافل‌گیرانه نمی‌کُشد».

آری، جناب مسلم که سخن رسول خدا ﷺ را سخن خداوند می‌داند و به آن باور عمیق دارد، نگاه خود به ترور را از محاسبات بشری و سودجویانه تغییر می‌دهد و با «نگاه توحیدی» خود به همگان گوشزد کرد که حسین عليه السلام و یاران او حاضر نیستند از آرمان‌های الهی خود کوتاه بیایند؛ هرچند در ظاهر و کوتاه‌مدت به نفع‌شان باشد.

پیام مهم این بخش از زندگانی جناب مسلم، پایبندی کامل به دستوره‌های الهی است؛ هرچند به ظاهر نیز به نفع انسان نباشد.

۱. سید عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین عليه السلام، ص ۱۵۳.

۲. این شعر با تفاوت‌هایی در کتب تاریخی و مقاتل ذکر شده است.

۳. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۲۶.

۴. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۰۲. گفتنی است عبارت فوق را به صورت دیگری نیز می‌توان خواند: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْنَةِ؛ به درستی که ایمان، بند [مانع] کشتن غافل‌گیرانه است».

## ۲. ابو ثمامه و نماز اول وقت

عاشورا به هنگام ظهر رسید. ابو ثمامه صاعدی شهید نامدار کربلا، خدمت حجت خدا عَلَيْهِ السَّلَام رسید و عرض کرد: ای اباعبدالله، جانم به فدایت، می‌بینم که این گروه به شما نزدیک شده‌اند. به خدا سوگند، پیش از شما، من باید کشته شوم؛ ولی دوست دارم وقتی خداوند را ملاقات می‌کنم، این آخرین نماز را که وقتش رسیده است، با شما خوانده باشم.

قدر تو بگذشت از درک عقول عقل اندر شرح تو شد بوالفضول

امام عَلَيْهِ السَّلَام نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «دَكَّرْتُ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ! نَعَمْ، هَذَا أَوَّلُ وَفْتِهَا؛ نماز را به یاد آوردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد. آری، اکنون وقت فضیلت نماز است». سپس فرمود: از دشمن بخواهید از ما دست بکشند تا نماز بخوانیم.

حصین بن تمیم (یکی از فرماندهان سپاه یزید) فریاد زد: «نماز شما پذیرفته نیست». حبیب بن مظاهر در پاسخش گفت: «آیا خیال می‌کنی نماز تو پذیرفته است و نماز آل رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پذیرفته نیست؟»<sup>۱</sup>

امام عَلَيْهِ السَّلَام که دیدند دشمنان خدا مانع نماز آنها می‌شوند، به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله فرمان دادند با گروهی از اصحاب جلوی نمازگزاران بایستند تا آخرین نماز شهیدان عاشورا نیز به جماعت اقامه شود و سرانجام، نماز خوف گزارند. در اثنای نماز تیری به سوی امام عَلَيْهِ السَّلَام پرتاب شد که سعید بن عبدالله حنفی جلوی حضرت ایستاد و با جانفش از او محافظت کرد، بی‌آنکه به چپ و راست برود؛ تا آنکه بر اثر اصابت سیزده تیر - غیر از ضربات شمشیر و نیزه که قبلاً به او رسیده بود - به زمین افتاد و به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

آری، نگاه توحیدی ابو ثمامه تا آنجا قوی بود که در میانه جنگ و غوغای شمشیر و تیر و نیزه، نماز اول وقت را فراموش نمی‌کند و با قلبی سرشار از محبت الهی، مشتاق این است که هنگام ملاقات با معبود، نه تنها آخرین نماز خود را خوانده باشد، بلکه با جماعت و امامت حجت خدا عَلَيْهِ السَّلَام اقامه کرده باشد.

۱. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۷۰.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۱۰.

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد<sup>۱</sup>

شاید بتوان راز و رمز عنایت ویژه اهل بیت علیهم السلام و پیروان راستین آنان به نماز را از حدیث ذیل به دست آورد. در این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله اشتیاق خود به نماز را از انسان گرسنه و تشنه به غذا و آب بیشتر می‌دانند و با این تشبیه، اوج احتیاج انسان به نماز و ارتباط با خداوند را به ما گوشزد می‌کنند:

يَا أَبَادَرُّ، إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبِيبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ، وَ إِلَى الظَّمآنِ الْمَاءَ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛<sup>۲</sup>

ای ابوذری، همانا خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود، چنان‌که غذا را محبوب انسان گرسنه و آب را محبوب انشان تشنه نمود. پس همانا انسان گرسنه، هنگامی که غذا بخورد، سیر می‌شود و انسان تشنه هنگامی که آب بنوشد، سیراب می‌شود؛ ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.

### ۳. نافع بن هلال

نافع بن هلال شهید برجسته عاشورا، پس از تمام شدن تیرهایش، شمشیر را درآورد و رجز خواند: أنا الغلامُ الجملي / أنا علي دين علي. او دوازده نفر را کشت و عده‌ای را هم مجروح نمود؛ ولی بازوی خودش شکسته شد و توسط شمر ملعون و برخی دیگر از دشمن، دستگیر و نزد ابن سعد برده شد. ابن سعد پرسید: چرا چنین کردی؟ نافع پاسخی داد که نشان‌دهنده «اوج اخلاص» او در دفاع از دین خدا و حجت الهی بود: «إِنَّ رَبِّي يَعْلَمُ مَا أُرَدُّتُ...»<sup>۳</sup> پروردگارم می‌داند چه نیتی داشتم».

### ۴. حنظلة بن أسعد شامی

وقتی نوبت جان‌فشانی حنظلة بن أسعد شامی رسید، در مقابل امام علیه السلام ایستاد و تیرها و نیزه‌ها و شمشیرهایی را که به سوی حضرت می‌آمد، بر صورت و سینه خود می‌خرید و پس از موعظه

۱. حافظ.

۲. محمد بن حسن طوسی، امالی، ص ۵۲۸.

۳. لوط بن یحیی ابومخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۲۳۳.

دشمن به وسببه آیاتی از قرآن، به سیدالشهدا علیه السلام عرض کرد: «أَفَلَا تَزُوخُ إِلَى رَبِّنَا؛ آیا به سوی پروردگاران نرویم؟». عاقبت پس از جنگی قهرمانانه به شهادت رسید. بی شک این «آرامش خاطر» بی نظیر، ثمره ایمان و نگاه توحیدی این شهید نامدار است.<sup>۱</sup>

##### ۵. بریر و پیشنهاد مباحله

یکی از نامدارترین شهیدان عاشورا، بریر همدانی است؛ شخصیتی که وقتی قاتلش - کعب بن جابر - به کوفه برگشت، خواهرش (یا همسرش) به او گفت: «دشمنان پسر فاطمه را یاری دادی و سرور قاریان را کشتی و کاری بسیار زشت انجام دادی. به خدا سوگند که دیگر یک کلمه هم با تو سخن نخواهم گفت».<sup>۲</sup>

در آغاز جنگ، یزید بن معقل - از سربازان ابن سعد - در برابر بریر قرار گرفت و گفت: ای بریر، فکر می کنی که خدا با تو چگونه رفتار کرد؟ گفت: خداوند سرنوشت مرا نیک و سرنوشت تو را بد رقم زد. یزید گفت: ای بریر، تو پیش از این دروغ گو نبودی، ولی اکنون دروغ گفتی. آیا به یاد می آوری که در محله بنی لوذان راه می رفتیم و تو می گفتی: «عثمان بر خود ستم می کند، معاویه گمراه و گمراه کننده است و پیشوای راستین و هدایت گر حقیقی، تنها علی بن ابی طالب است».<sup>۳</sup> بریر گفت: آری، شهادت بده که این رأی و نظر من بود. یزید گفت: گواهی می دهم که تو از گمراهانی.

بریر برای اثبات درستی اعتقاد خود، به یزید بن معقل پیشنهاد مباحله داد. سپس هر دو دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و از خداوند خواستند که دروغ‌گو را لعنت کند و آن را که راست‌گو و بر حق است، بر باطل پیروز گرداند. پس از مباحله، به مبارزه پرداختند. ابتدا یزید بن معقل ضربتی بر بریر زد، ولی اثر نکرد. سپس بریر حمله کرد و ضربه‌اش سر یزید بن معقل را شکافت و او را بر زمین زد.<sup>۳</sup>

بی شک ارائه پیشنهاد مباحله از سوی بریر، گواه روشنی بر ایمان و اعتماد راسخ او به خدای متعال است و در امتداد مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران قلمداد می شود. آری، کسی که

۱. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۰۹.

۲. محمد بن طاهر سماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ، ص ۱۲۴.

۳. لوط بن یحیی ابومخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۲۲۱.



دعوت به مباحله می‌کند، باید از اعتقادی راسخ به خداوند و نیز هدف خود برخوردار باشد؛ چراکه چهار احتمال پیش‌روی اوست که فقط در یک صورت، مباحله به نفعش تمام می‌شود: عذاب بر هر دو نازل شود؛ عذاب بر هیچ‌کدام نازل نشود؛ عذاب بر خودش نازل شود؛ عذاب بر طرف مقابل نازل شود. بریر به جای احتمال پیروزی ۲۵ درصد خود بر یزید بن معقل، صددرصد اطمینان داشت که خدای متعال وی را مدد می‌کند و بر دشمن خدا پیروز می‌شود که چنین هم شد.

پیام روشن این حرکت خدامحورانه بریر، «اعتماد و توکل به خداوند» است. ریشه این اعتماد عمیق کجاست و چه می‌شود که انسان به این درجه از توکل می‌رسد؟ قرآن حکیم در هفت آیه از جمله آیه ۱۲۲ آل عمران، به این پرسش پاسخ داده است: «... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

آری، ایمان به خدا، سوق‌دهنده انسان به سوی اعتماد به اوست. در حدیثی درس‌آموز از امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام چنین می‌خوانیم: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَزْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو؛ ای انسان تو در موردی که امیدی به نتیجه عملی نداری [و لکن با توکل به خدا آن را انجام می‌دهی] امیدوارتر باش از موردی که امید به نتیجه عمل داری».

سپس امام علیه السلام چند مثال در ضمن روایت نقل فرمود: همان‌طور که موسی بن عمران برای پیداکردن آتش حرکت کرد و به نتیجه آن امیدی نداشت؛ اما ناگهان خداوند او را مورد خطاب قرار داد و ایشان را پیامبر خویش گردانید و با او تکلم کرد؛ و همان‌طور که ملکه سبأ به سوی سلیمان آمد و سلیمان امیدوار نبود که او از دین خود برگردد؛ ولی تسلیم سلیمان شد و از دین خود برگشت؛ همچنین ساحران فرعون که حضرت موسی امیدوار نبود ایمان بیاورند؛ ولی به موسی و خدای او ایمان آوردند.<sup>۱</sup>

رفت موسی کاتش آرد او به دست	آتشی دید او که از آتش برست
جست عیسی تا رهد از دشمنان	بردش آن جستن به چارم آسمان <sup>۲</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۸۳.

۲. مثنوی معنوی.

### نتیجه

نمونه‌هایی که بیان شد، بخش کوچکی از رفتارها و گفتارهای توحیدی اصحاب سالار شهیدان است؛ وگرنه از نخستین لحظه تصمیم آنها برای همراهی با ولیّ خدا و ترک زن و فرزند و اموال تا سخنان‌شان در شب و روز عاشورا و رزم در میدان، همگی می‌تواند از نگاه خداپاورانه این انسان‌های ربانی پرده بردارد.

به این فرمایش امام صادق علیه السلام توجه نمایید:

لَا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّىٰ يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ<sup>۱</sup>

هیچ‌کسی ایمانش به خدا خالص نمی‌شود تا آنکه خداوند نزد او، از خودش و پدرش و مادرش و فرزندان‌ش و خانواده‌اش و مالش و همه مردم، محبوب‌تر باشد.

### کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، چ اول: بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌أبی طالب علیهم السلام، چ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، چ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ ق.
۴. \_\_\_\_\_، فلاح السائل و نجاح المسائل، چ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۵. \_\_\_\_\_، لهوف، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: علامه امینی، چ اول، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
۹. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، چ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. سماوی، محمد بن طاهر، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیهم السلام، چ اول، قم: دانشگاه شهید محلاتی، ۱۴۱۹ ق.

۱. علی بن موسی ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۰۱.

توحيدباوری اصحاب امام حسين عليه السلام ■ ۱۹

۱۱. صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۷ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوک)، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (اصول، فروع، روضه)، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، چ سوم، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. مقرّم، سیدعبدالرزاق، مقتل الحسين عليه السلام، چ اول، بیروت: مؤسسة الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
۱۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چ هفتم: بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.